

## آموزش مدنی و صلح‌سازی\*

دنیل اچ لوین و لیندا اس. بیشای  
ترجمه سیدعبدالبصیر حسینی عالمی\*\*

چکیده: مؤسسه صلح ایالات متحده، بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰، برنامه‌های متعدد آموزش شهروندی را در عراق و سودان، به‌عنوان بخشی از تلاش‌های وسیع‌تر برای گسترش ثبات و توسعه پسمانزعه و کمک به جلوگیری از بازگشت خشونت، اجرا کرد. گزارش حاضر، پس از بررسی مبانی مفهومی آموزش شهروندی و وجوه افتراق و اشتراک آن با حقوق بشر، این برنامه‌ها را توضیح می‌دهد. این گزارش انواع چالش‌های فراروی برنامه‌های آموزش شهروندی در محیط‌های پسمانزعه را بحث کرده و با نگاه به مورد عراق و سودان، راهکارهای متعددی برای غلبه بر این چالش‌ها پیشنهاد می‌دهد. طبق این گزارش: (۱) آموزش شهروندی چارچوب مثبتی برای هویت شهروندی مشترک فراهم می‌کند؛ لذا در جوامعی که از نزاع‌های خشونت‌آمیز و پیامدهای آن رنج می‌برد، می‌تواند عاملی ثبات‌ساز باشد. (۲) آموزش شهروندی در تأکید بر مشارکت عمومی در حکومت با حقوق بشر مشترک است، اما این دو عرصه مبانی مفهومی جداگانه و متفاوتی دارد. (۳) محیط‌های پسمانزعه چالش‌های جدی زیادی برای معلمان ایجاد می‌کند. بعضی از این چالش‌ها دشواری ویژه‌ای برای برنامه‌های آموزش شهروندی دارد و باید

\* این نوشتار ترجمه‌ای است از:

Levine, Daniel H., and Linda S. Bishai. "Civic education and peacebuilding." *Special Report: United States Institute of Peace* (2010): 1-16.

\*\* کاندید دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، مشهد: جامعه‌المصطفی‌العالمیه

Email: abh.hosseini@yahoo.com

هنگام طراحی این برنامه‌ها مورد توجه قرار گیرد. (۴) روش‌های کلاسی بخش مهمی از آموزش شهروندی است، زیرا در کنار دانش، مهارت را نیز انتقال می‌دهد، دو مؤلفه‌ای که برای مشارکت شهروندی موفق لازم‌اند. (۵) تجربیات مؤسسه صلح در برنامه‌ریزی آموزش شهروندی در عراق و سودان، چالش‌ها و فرصت‌های اجرای مدل‌های آموزش شهروندی مؤثر و پایدار را در مناطقی که در حال رهایی از خشونت‌اند، آشکار می‌کند. این برنامه‌ها نیازمند مشارکت محلی، انعطاف، صبر و تعهد طولانی‌مدت است.

### مقدمه

حقوق شهروندی یا مدنی، هم به لحاظ نظری و هم به لحاظ عملی، بخش مهمی از آموزش شهروندی است، به خصوص در تأسیس نهادهای ملی صلح‌آمیز در مناطق متأثر از نزاع‌های خشونت‌آمیز. هرچند بین حقوق شهروندی و حقوق بشر تفاوت‌هایی وجود دارد، آموزش‌دهندگان این دو حوزه مکمل از اهداف مشترکی - مانند به‌کارگیری روش‌های کلاسی تعامل محور - برخوردارند و با چالش‌های مشابهی - مانند دست‌وپنجه نرم کردن با مشکلات خاص ناشی از درگیری - مواجه‌اند. برنامه‌های آموزش شهروندی در عراق و سودان نشان می‌دهد که در انواع محیط‌های متأثر از درگیری، آموزش شهروندی چقدر متفاوت ظاهر می‌شود و اجرای برنامه‌های مؤثر آن با چه چالش‌هایی مواجه است.

### آموزش شهروندی به مثابه معبری به سوی شهروندی و ملت‌سازی صلح‌آمیز

شهروندی از جهات متعدد عامل محوری در دور نگاه‌داشتن جامعه از نزاع خشونت‌آمیز و هدایت آن به سمت ایجاد روابط سیاسی سودمندی است که به مذاکرات مسالمت‌آمیز درباره اختلافات مجال می‌دهد. اهمیت شهروندی برای صلح‌سازی با این ایده که کشور هدف اول وفاداری قرار بگیرد، به گونه‌ای که شهروندان آن برای پیگیری مصالح مشترک جامعه انگیزه یابند و احتمالاً بخواهند برای سایر شهروندان قربانی بدهند، پیوند دارد. این جنبه از شهروندی آن را تبدیل به مفهومی ارزشمند برای صلح‌سازی می‌کند. هم دولت‌سازی (یعنی ایجاد نهادهای حکومتی کارآمد) و هم ملت‌سازی (یعنی پرورش هویت برای اعضای یک گروه اجتماعی مشترک)، برای موفقیت صلح‌سازی، لازم است. مشارکت در حکومت‌داری معیاری برای شهروندی خوب است، اما بعضی از اشکال مشارکت شهروندی در حقیقت به نزاع‌های اجتماعی کمک می‌کند. وقتی میان مخالفت و کناره‌گیری، تعادل ایجاد نشود، گروه‌ها ممکن است به جای برقراری ارتباط با دیگران،

فقط خود را مورد خطاب قرار دهند، امری که نتیجه‌اش شکل‌گیری کلیشه‌های منفی روزافزون و صف‌بندی‌های اجتماعی سخت‌تر است، حتی اگر چنین سخنانی به صورت عمومی و به عنوان بخشی از مشارکت سیاسی ایراد شده باشد. در پی بروز نزاع‌های خشونت‌آمیز اجتماعی، یکی از کارهای لازم برای فروکش کردن آن‌ها پرورش شهروندان مسئولیت‌پذیر است، فعالیتی که مستلزم ارتقای مهارت‌هایی در آنان است که بتوانند به کمک آن، بدون توسل به خشونت یا دست‌کشیدن از تلاش برای حل یا اصلاح اختلاف، به مخالفت نامحدود سیاسی خود ادامه دهند.<sup>۱</sup> آموزش شهروندی در پی آن است که درک و عادت ورود به چنین رقابت بدون خشونتی را به شهروندان ارزانی بدارد تا در سیاست و به شکل گسترده‌تر، در حیات مدنی و خدمت به جامعه، مشارکتی سازنده داشته باشند. از این رو، چنین آموزشی می‌تواند به ایجاد ثبات در جوامع متأثر از خشونت کمک کند و باید خصیصه مثبت مهمی از چشم‌انداز پسا‌منازعه تلقی شود.

### حقوق شهروندی چیست؟

اصطلاح «حقوق شهروندی»، برای برجسته‌کردن وجوه مشترک و تعامل آن با حقوق بشر، به کار می‌رود. هرچند حقوق بشر و حقوق شهروندی گاه با هم تداخل می‌یابند و احتمالاً با قدرت یکدیگر را تکمیل می‌کنند، مبانی متفاوتی دارند. حقوق بشر مبتنی بر معیارهای جهانی است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ سازمان ملل متحد، به شکل قانون در آمده است. اما حقوق و مسئولیت‌های شهروندی متفاوت است: آن‌ها پایه‌های نظری مشارکت در حیات عمومی یک کشور - و در نتیجه، پایه‌های نظری صورتی کاملاً توسعه‌یافته از شهروندی<sup>۲</sup> - است و می‌توان آن را به حقوق شهروندی سلبی، حقوق شهروندی ایجابی و مسئولیت‌های شهروندی دسته‌بندی کرد.

حقوق شهروندی سلبی راه‌های دخالت دیگران، به خصوص دولت، در فعالیت‌های خصوصی افراد را محدود می‌کند؛ این حقوق شامل آزادی بیان و آزادی اجتماعات می‌شود. حقوق شهروندی با حقوق بشر، در آن دسته از حقوق سلبی که هر دو چارچوب پذیرفته‌اند، تداخل می‌یابند: هم حقوق بشر و هم حقوق شهروندی اصرار دارند که برخی فعالیت‌های خصوصی نباید محدود شود. آموزش حقوق بشر بر مبنای جهانی‌نگری و معاهدات بین‌المللی روی کرامت بنیادین انسان‌ها متمرکز است، در حالی که آموزش شهروندی بر مشارکت در قلمرو عمومی یک کشور خاص و شهروندان آن، تمرکز دارد.

شهروندی ضرورتاً شامل حقوق ایجابی‌ای می‌شود که برای افراد فرصت سهم‌گیری در تصمیم‌گیری‌های جامعه خویش را - مثلاً از طریق نظام سیاسی مشارکتی یا دولت شفاف - فراهم می‌کند. سایر حقوق ایجابی نیز ممکن است شامل حق برخورداری از آموزشی شود که به فرد مهارت و ظرفیت فکری مشارکت در نظام سیاسی را می‌دهد. جزئیات حقوق شهروندی مختص هر کشور است و آگاهی از خصوصیات نظام سیاسی یک کشور محتوای آموزش شهروندی را معلوم می‌کند. اما در شرایط درگیری یا پسمانزعه، ماهیت دقیق یک کشور، شهروندان یا نظامش غالباً متغیر است.

مسئولیت‌های شهروندی شامل آگاهی از مشکلات عمده و خود نظام سیاسی، جهت تسهیل مشارکت در سیاست‌های اجتماعی، می‌شود. بدیهی است که آموزش‌دهندگان در ایفای این وظیفه به شهروندان یاری می‌رسانند. تعلیم مفاهیم کلی و موسعی از قبیل شهروندی مهم است و مشارکت مؤثر اقتضا دارد که شهروندان نه تنها از آرمان‌ها الهام بگیرند، بلکه از خصوصیات چگونگی کارکرد نظام خود نیز آگاه باشند. این نیازمند مهارت‌های عملی برای سازمان‌دهی مردم و ترویج گفت‌وگو عمومی است.

### تفاوت میان حقوق بشر و حقوق شهروندی

چنان‌که قبلاً گفته شد، حقوق بشر و حقوق شهروندی مبانی نظری بسیار متفاوتی دارند. حقوق بشر غالباً با فردگرایی گره خورده است، اما شامل فرهنگ‌ها یا جوامع هم می‌شود. ارزش اساسی، هم در حقوق بشر فردی و هم در حقوق جمعی، ارزش جهانی و ذاتی بشر است. اما حقوق شهروندی از نقطه متفاوتی شروع می‌شود: این حقوق برای قدرت‌دادن به شهروندان در عرصه عمومی طراحی شده و از این رو، مختص به جامعه مربوطه است. ارزش هسته‌ای حقوق شهروندی ارزش مشارکت شهروندان در حیات سیاسی است.

تمایز میان حقوق بشر و حقوق شهروندی، به سه دلیل، اهمیت دارد: نخست، معلمی که با مبانی نظری حقوقی که تدریس می‌کند، آشناست، بهتر می‌تواند با دیدگاه‌هایی که شاگردان در کلاس مطرح می‌کنند، روبه‌رو شود. دوم، تشخیص اینکه حقوق شهروندی زاینده نگرانی در مورد مشارکت در جامعه است، اهمیت یادگیری مشارکتی را برای آموزش شهروندی برجسته می‌سازد. در نتیجه، الگوهای آموزشی‌ای که صرفاً بر انتقال اطلاعات از معلم به شاگرد تمرکز می‌کند، برای آموزش شهروندی ناکافی خواهد بود. سومین دلیل این است که ارتباط میان آموزش شهروندی و ملت‌سازی - به خصوص در رابطه با کارآمدی شهروندان در تأثیرگذاری بر دولت و همچنین مشارکت در حیات

مدنی و جامعه مدنی - ممکن است همان گونه که به برخی مخالفت‌ها با آموزش حقوق بشر دامن می‌زند، در برابر برنامه‌های آموزش شهروندی نیز مقاومت ایجاد کند. از طرف دیگر، مخالفت با یکی از آن دو شاید به معنای پذیرش دیگری باشد. رژیم تمامیت‌خواهی که به نقض حقوق بشر متهم است، احتمالاً نسبت به آموزش شهروندی که بر معیارهای بین‌المللی حقوق و مجرمیت تمرکز نمی‌کند، پذیرا تر باشد، در حالی که ملتی که جوامع فرقه‌ای تدافعی و متمایز دارد، ممکن است در برابر فراخوان آموزش شهروندی به وحدت آن ملت، مقاومت کند. درک مبانی متفاوت این دو چارچوب حقوق، می‌تواند به برنامه‌ریزی صلح‌سازی در موقعیت‌های حساس عمق راهبردی بخشد.

### روش‌های کلاسی

مهارت‌های شهروندی، از طریق برخی روش‌های کلاسی، بهتر جا می‌افتد: همان گونه که نمی‌توان انتظار داشت کسی به صرف خواندن کتاب‌هایی درباره فوتبال، فوتبالیست خوبی شود، نباید انتظار داشت که به صرف گفتن مهارت‌های شهروندی به شاگردان، آن‌ها را به خوبی یاد بگیرند. تحقیقات در مورد آموزش شهروندی نشان می‌دهد که هرچند آموزش سنتی مبتنی بر سخنرانی می‌تواند به صورت مؤثر دانش شهروندی را منتقل کند، روش‌های کلاسی فعال، مانند گفت‌وگو و نقش بازی کردن، در تغییر نگرش و انگیزه شاگردان، بسیار تأثیرگذارترند.<sup>۳</sup> کلاس‌های معلم‌محور با خطر بی‌حاصل بودن مواجه است، زیرا در آن‌ها شاگردان بار سنگینی را بر دوش خصوصیات فردی آموزگارشان می‌گذارند. اگر آموزگاران محبوب نباشند، شاگردان ممکن است، با دید منفی‌تری نسبت به حقوق و مسئولیت‌های شهروندی، از کلاس آموزش شهروندی خارج شوند.<sup>۴</sup>

آموزگاران نمی‌توانند امیدوار باشند که به‌تنهایی مهارت‌های شهروندی را به صورت مؤثر به دانش‌آموزان منتقل کنند، به‌خصوص در زمانی که ممکن است بخش کوچکی از ساعات مکتب باشد. اما بعضی از روش‌های کلاسی اجازه می‌دهد که آموزگاران مهارت‌های شهروندی خوب را به نمایش بگذارند و دانش‌آموزان آن‌ها را تمرین کنند. آموزگاران در شرایط مناسب می‌توانند فضایل شهروندی را از طریق مشارکت برابر با دانش‌آموزان در کلاس به نمایش بگذارند، به‌گونه‌ای که کلاس‌ها پروژه‌ای جمعی برای انتقال درک بهتر از مشارکت مدنی و تعهد قوی‌تر نسبت به آن، به دانش‌آموزان، باشد. در روش دیگری که به همین اندازه مهم است، آموزگاران می‌توانند در ابعاد کوچک‌تر

بخشی از توازن میان قدرت حکام و شهروندان را که برای نظام سیاسی مشارکتی لازم است، به نمایش بگذارند. گاهی نارضایتی و مخالفت، با مقاومت در برابر اقتدار مشروع، خلط می‌شود. آموزگاری که مشارکت را می‌پذیرد و می‌خواهد در مخالفت‌ها و پرسش‌های دانش‌آموزان شرکت کند، در حالی که همچنان نظم کلاس را حفظ کرده و منصفانه در جدال‌ها داوری می‌کند، می‌تواند نشان دهد که چطور اقتدار می‌تواند در کنار مشارکت معنادار وجود داشته باشد.

دانش‌آموزان نیز برای تمرین مهارت‌های شهروندی، بیان روشن و متقاعدکننده دیدگاه‌های خود، برخورد محترمانه با دیدگاه‌های دیگران، همکاری با سایر شهروندان در جهت منافع مشترک و پذیرفتن کسانی که با آن‌ها مخالفاند، نیاز به فرصت دارند. برخی روش‌ها که در رویکردهای آموزشی شاگردمحور شاهد هستیم، نیز می‌تواند در کلاس، برای نمایش دادن ساختارهای حکومتی مشارکتی و تمرین دادن دانش‌آموزان در مهارت‌هایی که به شهروندی کمک می‌کند، مفید باشد. وقتی دانش‌آموزان از گروه‌های قومی، فرهنگی، زبانی یا سایر گروه‌های متضاد در کنار هم حضور دارند، انجام گفت‌وگو و فعالیت در قالب گروه‌های کوچک، در صورتی که ممکن و بی‌خطر باشد، روش بسیار مؤثری خواهد بود. چنین گروه‌هایی می‌توانند احترام متقابل ایجاد کرده و در راستای منافع مشترک و تشکیلات گروهی، با هم کار کنند. گفت‌وگوهایی که دانش‌آموزان و آموزگاران با هم آن را اداره می‌کنند، قابلیت‌های ارائه دیدگاه و مواجهه با دیدگاه‌های دیگران را ارتقا داده، انسان را از مشکلات آگاه ساخته و ادای احترام به کمک‌های همگان را به نمایش می‌گذارد. گفت‌وگوهای دانش‌آموزمحور، از این جهت که نشان می‌دهد نه فقط آموزگار یا برخی دانش‌آموزان، بلکه تمام دانش‌آموزان چیزهای ارزشمندی برای کمک به محیط آموزشی دارند، می‌تواند دارای ارزش ویژه‌ای باشد. تمرینات ایفای نقش، به خصوص آن‌هایی که از دانش‌آموزان می‌خواهد نقشی کاملاً متفاوت از شخصیت خود بازی کنند، می‌تواند به احترام و درک متقابل و فهم اینکه وجوه اشتراک و افتراق می‌تواند در میان شهروندان هم‌زیستی داشته باشد، کمک کند.

کلاس درس هم فضایی فکری است و هم فضایی اجتماعی. فعالیت‌های متناسب با سن و سال دانش‌آموزان، مانند جشن‌گرفتن اعیاد، ورزش یا وعده‌های غذایی که همه دانش‌آموزان در تهیه آن سهم می‌گیرند، می‌تواند به ایجاد دوستی میان دانش‌آموزان کمک کند. بهترین دلیل برای اینکه دانش‌آموزان ممکن است بخواهند با سایر شهروندان،

حتی آن‌هایی که موضع مخالف دارند، به‌صورت صلح‌آمیز اختلاط کنند، این است که زندگی به این شکل لذت‌بخش‌تر به نظر می‌رسد.

یکی از فواید کارهای گروهی کلاسی این است که ایجاد شهروندی در فضای ملت‌هت از درگیری اقتضا دارد تا دانش‌آموزان، فراتر از گسست‌های مشکل‌ساز اجتماعی - که در اثر وقایع خشونت‌بار گذشته به وجود آمده است - با یکدیگر مواجه شوند. کلاس درس محیط مناسبی برای چنین مواجهات است، زیرا می‌تواند فضایی کنترل‌شده و امن برای کار با دیگران باشد و طرح‌ها و راهنمایی‌های عینی در آن بر چنین مواجهاتی متمرکز شود. کار با دانش‌آموزی از گروه قومی دیگر، بر اساس طرحی درجه‌بندی‌شده، ممکن است بیش از کار کردن با کسی به دلیل اینکه به دانش‌آموز گفته‌اند این به‌خودی‌خود ایده خوبی است، نگرش‌ها را تغییر دهد.

#### آموزش خدمت‌محور

در آموزش خدمت‌محور، دانش‌آموزان طرح‌هایی خارج از کلاس، برای کار در بین جوامع خود، در دست می‌گیرند. طرح‌های آموزش خدمت‌محور که در بسیاری از زمینه‌های آموزشی استفاده شده است، منافع بالقوه فراوانی را برای آموزش شهروندی به بار خواهد آورد: نخست اینکه دانش‌آموزان می‌توانند فواید مستقیم کار خویش را مشاهده کنند، هرچند باید مراقب بود تا پیشرفت‌ها زیر نظر گرفته شده و آن فواید هم مورد ارزیابی و هم مورد تقدیر قرار گیرد. صرف تفاوت در فعالیت‌های بیرون از کلاس نیز می‌تواند به درگیر شدن دانش‌آموزان با مطالعات شهروندی کمک کند. دوم اینکه تمرکز کلی آموزش خدمت‌محور بر جامعه محلی می‌تواند، با از میان برداشتن موانع بین دانش‌آموزان و فقرا یا افراد به حاشیه رانده شده، موجب درکی وسیع از شهروندی و منافع عمومی شود. سوم اینکه دشوار است مهارت‌های خاص لازم برای مانور دادن در نظام سیاسی صرفاً در کلاس درس پرورش یابد؛ فعالیت در جهت بهبود اوضاع محلی به دانش‌آموزان این فرصت را می‌دهد تا با آن سطح از دولت که احتمالاً بیشتر در دست‌رسان است و زندگی روزمره‌شان را بیشتر تحت تأثیر قرار می‌دهد، ارتباط برقرار کنند.

با این حال، اجرای طرح آموزش خدمت‌محور خوب می‌تواند مسئولیت‌سنگینی باشد؛ آموزگاران باید مطمئن شوند چیزی را اجرا می‌کنند که بیشترین استفاده را برای دانش‌آموزان در پی دارد. هرچند بحث کامل درباره طراحی برنامه آموزش خدمت‌محور فراتر از قلمرو این گزارش است، چند نکته کلی را باید به خاطر داشت.<sup>۵</sup> نخست اینکه

طرح‌های آموزش خدمت‌محور در صورتی که با سایر روش‌های کلاسی، مانند نگاشتن افکار یا مقالات تحقیقی مبتنی بر تجربیات دانش‌آموزان، گفت‌وگوها و ارائه‌های کلاسی تلفیق شود، بیشترین تأثیر را خواهد داشت. دوم اینکه طرح‌های آموزش خدمت‌محور باید ارتباطات ماندگار و نه مقطعی با مشکلات و حوامع ایجاد کرده و به‌جای تمرکز مطلق بر فعالیت در مکتب، دانش‌آموزان را فراتر از مکتب با جامعه ارتباط دهد. شاید این طرح‌ها، در بسیاری از شرایط پسمانازه یا صلح‌سازی، امکان‌پذیر نباشد، اما آموزگاران باید تمام فرصت‌ها را غنیمت بشمارند، حتی فرصت‌های کوچکی مانند کاشت باغچه مشارکتی در نزدیکی مکتب، آموزش دانش‌آموزان به بچه‌های خردسال‌تر از خود یا جمع‌آوری زباله‌های اطراف مکتب. آخرین نکته اینکه برنامه‌های آموزش خدمت‌محور باید با علایق دانش‌آموزان، هم در مورد مشکلاتی که روی آن کار می‌کنند و هم در مورد نوع کار، منطبق باشد؛ لذا هنگام طراحی این برنامه‌ها باید به دانش‌آموزان امکان اظهارنظر داده شود. با این حال، این‌گونه برنامه‌ها باید به جامعه نیز نفع برساند و بر اساس داده‌های جامعه‌ای که می‌خواهد به آن کمک کند، ساخته شده باشد. دانش‌آموزان باید از پیچیدگی‌های کار با گروه‌های دیگر آگاه باشند، زیرا خود فهمیدن این پیچیدگی‌ها نوعی مهارت شهروندی است.

### چالش‌های پسمانازه

محیط‌های پسمانازه یا صلح‌سازی غالباً فاقد امنیت لازم است و این امر آموزگاران و دانش‌آموزان را در طول فرآیند آموزش به‌شدت به چالش می‌کشد. با این حال، برای آموزش شهروندی در محیط‌های درگیری مشکلات دیگری هم پیش می‌آید که در سایر محیط‌ها ممکن است با آن مواجه نشود یا کمتر مواجه شود.

### ناآشنایی آموزگار با روش‌های تدریس فعال و شاگردمحور

در بسیاری از محیط‌های پسمانازه، روش‌های تدریس شاگردمحور به‌صورت گسترده اجرا یا درک نمی‌شود. این سخن درباره‌ی رویکردهای پیچیده‌تر، مانند آموزش خدمت‌محور و همچنین درباره‌ی روش‌هایی که بسیاری از آموزگاران غربی آن را مفروض می‌گیرند، مانند گفت‌وگوهای کلاسی، نیز صادق است. علل وجود چنین شرایطی متعدد است؛ از جمله این علل این است که معلمان ساکن در مناطق درگیری غالباً با جامعه بین‌المللی معلمان که چنین روش‌هایی را در طول چند دهه گذشته بسیار استفاده کرده‌اند، ارتباط ندارند - بسیاری از معلمان که با جامعه بین‌المللی در ارتباط بوده‌اند، از این ارتباط



برای ترک مناطق درگیری استفاده می‌کنند. گذشته از این، بسیاری از درگیری‌ها در قلمرو رژیم‌های استبدادی رخ می‌دهد که از تفکر انتقادی یا گفت‌وگوهای آزاد و بی‌پرده در نظام آموزشی خود استقبال نمی‌کنند. صرف اصرار بر ارزش‌های این‌گونه رویکردها برای آموزگاران محلی کفایت نمی‌کند؛ مهارت در تسهیل گفت‌وگوها، در طی سال‌ها تجربه تدریس، تقویت می‌شود و حتی آموزگاران بسیار علاقه‌مند نیز نیاز دارند که آن‌ها را تمرین کنند. به‌علاوه، در جاهایی که چنین روش‌هایی غیرعادی یا جدید باشد، ممکن است مدیران یا حتی والدین دانش‌آموزان، از آموزگاران در اجرای این روش‌ها حمایت نکنند. باید مشکلات فراروی آموزگاران محلی بررسی شود و از آنان، نه صرفاً در عرصه ارتقای مهارت‌های تدریس، بلکه همچنین در عرصه کارکردن روی سیاست‌های مؤسسات آموزشی آنان، حمایت به عمل آید.

برعکس، آموزگارانی که از بیرون می‌آیند، نباید با ایده‌ای مشخص و ثابت در مورد چگونگی انجام کارها وارد شده و آن را بر آموزگاران محلی تحمیل کنند. پیشنهاد‌های این گزارش باید به‌عنوان نقطه آغازی برای گفت‌وگو با آموزگاران محلی تلقی شود. اگر معلمان محلی معتقدند روش‌های خاصی مفید خواهد بود، معلمان خارجی باید حمایت کنند. البته هیچ مانعی ندارد که فواید بعضی از رویکردها توضیح داده شود. اما آموزگاران محلی نیز مهارت‌ها و بینش‌های خاص خود را دارند که در شرایط موردنظر، قابل اجرا است. بنابراین گفت‌وگو درباره روش و رویکرد باید همواره فرآیندی دوطرفه باشد.

### مدیریت متمرکز در حوزه آموزش

آموزگاران آمریکایی، به‌خصوص آن‌هایی که از تحصیلات عالی برخوردارند، عموماً به سطح بسیار بالایی از آزادی در مدیریت کلاس‌های خود عادت دارند. اما در بسیاری از کشورهای دیگر، به‌ویژه در ملت‌های در حال رهایی از درگیری، وضعیت این‌گونه نیست. بسیاری از آن‌ها میراثی از مدیریت استبدادی دارند که به حوزه آموزش نیز سرایت کرده است. در محیط‌های آموزشی پسمانزعه، آموزگارانی که معلمان خارجی با آن‌ها کار می‌کنند، نمی‌توانند به اختیار خود در کلاس‌ها تغییر ایجاد کنند. حتی برای ریزترین تغییر در برنامه‌های درسی، مجوز از وزارت تحصیلات عالی یا نهاد معادل آن لازم است. این لزوم مجوز، به‌خصوص برای پایه‌های ابتدایی و متوسطه، زیرکانه است، اما برای پایه بالاتر از متوسطه، چالش‌هایی نیز ایجاد می‌کند. هنگامی که امکان اجرای نسخه‌ای از برنامه درسی مؤسسه صلح ایالات متحده در مورد حقوق شهروندی (که در ادامه درباره

آن بحث می‌کنیم) با یک استاد علوم سیاسی از دانشگاهی در دولت منطقه‌ای کردستان عراق مطرح شد، آن استاد در پاسخ گفت وزارت تحصیلات عالی از وی خواسته است در کلاس خود، به برنامه درسی‌ای که به صورت متمرکز تعیین شده است، پایبند باشد؛ او فقط می‌تواند ده درصد از مطالب درسی کلاس را خودش تعیین کند. به علاوه، ضعف یا فقدان برنامه‌های تربیت معلم غالباً موجب می‌شود مهارت‌های تدریس و روش‌های آموزشی به صورت غم‌انگیزی توسعه نیافته باقی بمانند. جوامعی که در حال رهایی از نزاع‌های خشونت‌آمیزند، در دسترسی به متون و محتوای علمی نیز عقب هستند. این چالش‌ها در مناطق روستایی و فقیر شدیدتر است.

چنان‌که نمونه کردستان عراق نشان می‌دهد، وقتی مدیریت متمرکز حاکم است، اگر آموزش شهروندی بخشی از برنامه آموزشی فعلی نباشد، اضافه کردن آن به برنامه آموزشی دشوار است؛ اگر برنامه آموزش شهروندی موجود نیازهای صلح‌سازی پسمانزعه را برآورده نسازد، تغییر آن احتمالاً کار آسانی نیست. مستقیم‌ترین مسیر برای پرداختن به مشکلات مدیریت متمرکز، کار کردن با اداره مرکزی است، چنان‌که برنامه آموزش شهروندی را می‌توان با مشورت با نهادهای دولتی مربوطه طراحی کرد. اما این همیشه پیشنهاد نمی‌شود؛ شاید آموزگاران نتوانند به خوبی به عوامل دولتی مربوطه دسترسی یابند یا ممکن است موانع بروکراتیک یا خصومت‌های آشکاری از سوی عوامل دولتی وجود داشته باشد (برای اطلاعات بیشتر در این باره، ادامه نوشتار را ملاحظه کنید).

در مواردی که کار مستقیم با دولت پیشنهاد نمی‌شود، برنامه آموزش شهروندی می‌تواند از میان آموزگاران یارگیری کند. استراتژی‌های متعددی در دسترس است، اما آن‌ها باید با دقت ارزیابی شود، نه فقط از جهت احتمال موفقیت، بلکه همچنین از جهت احتمال واکنش علیه آموزگاران محلی یا نهادی که از این برنامه پشتیبانی می‌کند.

### کار در خارج از زمان‌های عادی کلاس

ممکن است آموزگاران بخواهند، در خارج از ساعات معمولی کلاس، مطالب آموزش شهروندی را ارائه کنند. معمولاً این کار می‌تواند در وقت‌های استراحت از پیش تعیین شده در ساعات مکتب یا پس از اتمام ساعات مکتب انجام شود. جالب‌تر اینکه آموزش‌ها می‌تواند به صورت غیررسمی و در خارج از مکتب صورت گیرد. هرچند این رویکرد از ساختمان مکتب یا سایر وسایل آموزشی بهره نمی‌گیرد، از این مزیت برخوردار است که می‌تواند در دسترس جامعه‌ای فراتر از جمعیت دانش‌آموزان قرار گیرد.

در صورتی که مشارکت مدیران مکاتب و والدین جلب شود، این رویکرد آسان‌ترین روش خواهد بود. وجود مدیرانی که اجازه می‌دهند از امکانات مکتب برای آموزش‌های خارج از برنامه آموزش مکتب استفاده شود، مفید است، اگر ضروری نباشد. موافقت والدین، به‌خصوص در صورتی که این آموزش‌ها قرار است قبل یا بعد از ساعات معمول مکتب انجام شود، لازم است. اگر برنامه آموزش شهروندی، در مناطق پسمانزعه، مستلزم سفر در دسته‌های کوچک و دیرتر از ساعات معمول (به‌ویژه پس از تاریکی هوا) یا از مسیرهای مختلف باشد، حتی والدینی که از برنامه آموزش شهروندی خوششان می‌آید، احتمالاً در مورد امنیت فرزندانشان نگران می‌شوند. آموزگاران باید در مورد این نگرانی‌های معقول، حساس بوده و برای مواجهه با آن آماده باشند.

#### واردکردن مواد آموزش شهروندی به کلاس‌های موجود

در بعضی موارد شاید بتوان موضوعات شهروندی را در کلاس‌های موجود، مانند تاریخ یا علوم سیاسی، مطرح کرد. به‌عنوان مثال، کلاس تاریخ ملی ممکن است بتواند بحث مهم توسعه ساختارهای سیاسی آن ملت را در خود جای دهد. حتی شاید بتوان برخی مواد آموزش شهروندی را وارد کلاس‌هایی کرد که چندان با آن همخوان به نظر نمی‌رسد. یک معلم عراقی برای یکی از نویسندگان این گزارش نقل می‌کرد که در زمان حکومت صدام حسین، تمرینات و مسائل ریاضی غالباً مشتمل بر عناصری از تلقین فکری بود؛ مثلاً از دانش‌آموزان خواسته می‌شد حساب کنند که سربازان عراقی، در یک بازه زمانی مشخص، چند هواپیمای ایرانی را می‌توانند ساقط کنند. می‌توان این روش‌ها را در راستای اهداف آموزش شهروندی، تغییر جهت داد.

یکی از رویکردهای دیگر می‌تواند واردکردن روش‌های تدریس شاگردمحور به کلاس‌های موجود باشد، زیرا غالباً روش‌های تدریس کمتر از محتوای آن، مورد کنترل قرار می‌گیرد. هرچند این رویکرد به افزایش دانش شهروندی در میان دانش‌آموزان کمک نمی‌کند، می‌تواند مهارت‌های شهروندی، مانند داشتن ذهنیت باز در برابر سایر دیدگاه‌ها و توان کار با دیگران برای منافع مشترک، را رشد دهد.<sup>۶</sup>

#### بی‌اعتمادی به آموزش شهروندی

جنبه ملت‌سازی آموزش شهروندی می‌تواند سویه‌ای تاریک‌تر داشته باشد. ایجاد احساس هویت ملی ممکن است حمایت‌ها از رژیم سرکوبگر را استحکام بخشد. این امکان نیز وجود دارد که ایجاد این احساس، حتی در بی‌خطرترین موارد، تا حدی جداسازی و

محرومیت را افزایش دهد. در فضای ملی، میزان مشخصی از افتخار ملی یا حتی قومی-ملی شاید بی خطر باشد، اما فرآیندهای ملت‌سازی ممکن است به نظامی‌گری علیه سایر ملت‌ها دامن بزند یا با معرفی یک گروه قومی یا فرهنگی به‌عنوان اتباع حقیقی، تبعیض یا خشونت را علیه سایر گروه‌ها تجویز کند.<sup>۷</sup>

از آنجا که در رژیم‌های استبدادی که میراثی از آموزش شهروندی دارند، نزاع‌های داخلی زیادی رخ می‌دهد، میراث آن‌ها احتمالاً مشکل‌دار است. آموزش شهروندی یا برنامه‌های مرتبط به آن ممکن است قبلاً به‌عنوان برنامه‌های تلقینی آن رژیم‌ها استفاده شده باشد. چه بسا والدین، آموزگاران و دانش‌آموزان از این واهمه داشته باشند که برنامه جدید آموزش شهروندی هدف مشابهی دارد؛ لذا در مقابل شرکت در آن مقاومت کنند. در صورتی که آموزگاران در درگیری‌ها نقش داشته یا با بازیگری بین‌المللی مرتبط باشند که کاملاً مورد احترام جمعیت هدف نیست یا با نظامی‌گری گره خورده است، این‌گونه نگرانی‌ها احتمالاً تشدید خواهد شد. هیچ راه‌حل ساده‌ای برای رفع این نگرانی‌ها وجود ندارد، اما احتمالاً بهترین کار برای آموزگاران این است که در طراحی برنامه‌های آموزشی با همکاران محلی کار کنند و با والدین، دانش‌آموزان و سایر شرکا در جامعه هدف، روباز و صادق باشند.

### مقاومت در برابر آموزش شهروندی

افرادی که در دموکراسی‌های به‌خوبی جاافتاده زندگی می‌کنند، ممکن است بخواهند دموکراسی را بی‌طرف بدانند، یعنی راهی برای اطمینان از اینکه تمام افراد شانس منصفانه برای اثرگذاری بر فرآیندهای سیاسی دارند و هیچ گروهی از گروه دیگر برتر نیست. اما در مناطق پسمانزعه، چنین برداشتی وجود ندارد، به‌خصوص در مواردی که یک گروه اجتماعی از مزیت عددی آشکاری برخوردار است که می‌تواند به‌معنای برخورداری از قدرت بیشتر در نظام دموکراتیک باشد.

همچنین، در حالی که آموزش شهروندی مفید به نظر می‌رسد، به‌معنای دادن اطلاعات بهتر به دانش‌آموزان درباره چگونگی استفاده از ساختارهای دولت برای منافع خود نیز می‌باشد. کسانی که می‌فهمند دولت چگونه کار می‌کند، بهتر می‌توانند منافع خود را از طریق نظام سیاسی دنبال کنند. لابی‌گران و گروه‌های مشاوره حرفه‌ای می‌توانند از درک و دسترسی بیشتر خود به معاملات و ارتباطات پرسود نهایت استفاده را ببرند و این نشان می‌دهد که دانش عمیق در مورد کارکردهای دولت چه قدرتی به بار می‌آورد.

پس با توجه به اینکه مهارت‌های آموزش شهروندی هم به گروه‌های ضعیف‌تر توانایی به چالش کشیدن قدرت نخبگان مقتدر را می‌دهد و هم عکس این وضعیت را ممکن می‌سازد، انتظار می‌رود که در برابر آموزش شهروندی مقاومت‌هایی صورت بگیرد.

رشد مهارت‌های شهروندی ممکن است، به دو دلیل، قدرتمندان را نیز تهدید کند. نخست، در مواردی که گروه‌های قدرتمند از انشقاق‌های اجتماعی برای افزایش قدرت خویش استفاده می‌کنند، چنان‌که در بسیاری از نزاع‌های قومی چنین است، آموزش شهروندی که به احترام متقابل و توجه مساوی به تمام شهروندان تشویق می‌کند، می‌تواند این موقعیت آن‌ها را از بین ببرد. دوم اینکه مهارت‌های شهروندی برای شهروندان مهم است، زیرا فعالیت‌های مدنی را تسهیل کرده و شهروندان را برای سازمان‌دهی، توانا تر و به کار جهت مصالح اجتماعی، علاقه‌مندتر می‌سازد. این به این معناست که آموزش شهروندی، در صورتی که با موفقیت انجام شود، در پی تقویت شهروندان در جهت ایجاد گروه‌های جدیدی است که توانایی اعمال قدرت سیاسی دارند، گروه‌هایی که احتمالاً با هئنده موجود قدرت که غالباً و نه همیشه شدیداً متمرکز است، مخالف‌اند. آموزگاران نه فقط برای سختی‌های کار با بروکراسی آموزش ملی و تهیه مواد آموزشی ضروری، بلکه همچنین برای خصومت‌های آشکار احتمالی برخی عوامل، آماده باشند. این مشکل زمانی جدی‌تر می‌شود که گروه‌های فرقه‌ای کنترل وزارتخانه‌های دولتی مربوطه را در اختیار بگیرند، گروه‌هایی که احتمالاً با برنامه آموزش شهروندی‌ای که دانش‌آموزان را به کار با دشمن فرضی تشویق کند، کاملاً سر ستیز دارند و از این فهم مدنی برخوردار نیستند که از جایگاه دولتی خود برای پیشبرد برنامه‌هایشان استفاده نکنند.

در نهایت، پیشینه برنامه‌های آموزش شهروندی، فروتنی را توصیه می‌کند. بسیاری از برنامه‌های تلقینی ملی‌گرایانه و نظامی‌گرایانه که دخالت‌های آموزش شهروندی در پی اصلاح آن هستند، به‌هیچ‌وجه ابزارهای کاملی برای رژیم‌های خود نبودند. آموزش در عراق، بین جنگ‌های جهانی اول و دوم، در پی پرورش نوعی هویت ملی-عربی بود، اما در عوض، علاقه و افتخار به فرهنگ بدوی را تقویت کرد و برخی از آموزگاران که می‌خواستند بر جایگاه خود در یک عراق متکثر تأکید کنند، اهداف آموزشی دولت را نابود کردند.<sup>۸</sup> کسانی که درگیر آموزش شهروندی در اوضاع پسمانزعه‌اند و بر مشکلات لجستیکی و سیاسی غلبه کرده‌اند، باید برای روبه‌رو شدن با دانش‌آموزان و معلمان فعالی که پروژه‌ها را به مسیرهای غیرمنتظره می‌کشاند، آماده باشند.

## تجارب و آموخته‌ها

مؤسسه صلح ایالات متحده، از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰، درگیر برنامه‌هایی با محوریت آموزش شهروندی در عراق و سودان بود. تمام این برنامه‌ها در سطح محصلان آموزش عالی یا فعالان جامعه مدنی، مانند روزنامه‌نگاران، فعالان سازمان‌های غیردولتی و اعضای احزاب سیاسی، اجرا شد. یکی از دلایل این انتخاب این بود که آموزش عالی و جامعه مدنی ساختار منعطف‌تری دارند و راحت‌تر آموزش یا برنامه درسی جدید را می‌پذیرند. همچنین این نهادها غالباً نقاط مهمی برای الگوسازی تغییرات اجتماعی‌اند و می‌توانند در مورد پیشرفت‌های برنامه‌ها راهنمایی و بازخورد ارائه کنند. علت دیگر انتخاب فوق این بود که محدودبودن منابع مؤسسه اقتضای رویکردهای هدفمندی را داشت که بتواند به‌عنوان راهنما یا الگو عمل کند تا عوامل مناسب داخلی بتوانند به‌مرور زمان آن را ادامه یا شاید گسترش دهند.

### عراق: برنامه درسی حقوق شهروندان

مؤسسه صلح ایالات متحده، در سال ۲۰۰۶، تهیه یک برنامه درسی حقوق شهروندان را برای ارائه به دانش‌آموزان متوسطه در بغداد آغاز کرد. این طرح حاصل همکاری کارمندان مؤسسه صلح ایالات متحده و آموزگاران متعدد عراقی در عراق و آمریکا بود. این پروژه در پی این بود که به دانش‌آموزان کمک کند اصولی را که زیربنای دولت و قانون اساسی جدید عراق است، درک کرده و با تکیه بر عناصر فرهنگ عراقی که برایشان آشناست، نوعی احساس ملی را در خود به وجود بیاورند. گفت‌وگوهایی که در اواخر سال ۲۰۰۶ و اوایل سال ۲۰۰۷ انجام گرفت، اصول متعددی را به وجود آورد. نخست، مفاهیم حقوق شهروندی و حقوق بشر باید از تجارب روزانه دانش‌آموزان نشئت بگیرد. دوم، مواد آموزشی باید طوری تهیه شود که برای والدین دانش‌آموزان، به‌خصوص مادران، جذاب باشد، زیرا بسیاری از تکالیف قرار بود در خانه انجام شود و همکاران عراقی طرح اظهار داشتند که احتمالاً مادران بیشترین تأثیر را روی کارهایی که دانش‌آموزان در خانه برای آن وقت می‌گذارند، دارند. سوم، زبان آموزش باید طوری طراحی شود که برخلاف گفتمان رایج عراقی‌ها در دوره قبل از جنگ، مفاهیم قومیت را در حاشیه قرار دهد. چهارم، به‌عنوان پاسخی به نگرانی‌ها در مورد مقاومت‌هایی که پیش‌تر به آن پرداخته شد، مواد آموزش باید مشتمل بر راهنمایی‌هایی برای آموزگاران باشد که به آنان توصیه کند مفاهیم حقوق شهروندی و حقوق بشر را به‌صورت گسترده

در تدریس خود بگنجانند. مواد آموزشی نیز باید مشتمل بر راهنمایی‌هایی کلی دربارهٔ روش‌های آموزشی شاگردمحور برای آموزگاران باشد، راهنمایی‌هایی که اکثر روش‌هایی را که در فوق بیان شد (به‌جز آموزش خدمت‌محور)، در خود جای دهد. پنجم، در اجرای این برنامهٔ درسی باید مشوق‌هایی برای معلمان و دانش‌آموزان - مثلاً مواجب اندکی برای معلمان و جایزه‌هایی برای دانش‌آموزان - در نظر گرفته شود تا از معلمانی که قبل از این برنامه استخدام شده‌اند، خواسته نشود که کار اضافی را بدون عوض به عهده بگیرند و درک شود که دانش‌آموزان نیز تا زمانی که حداقل بخشی از این برنامه را پشت سر نگذاشته‌اند، ممکن است به آموزش فضایل شهروندی انگیزه پیدا نکنند.

مواد برنامهٔ درسی و راهنمای معلمان (به‌زبان عربی) در آپریل ۲۰۰۷ کامل شد. در این مرحله، مؤسسه صلح ایالات متحده گزینه‌هایی را برای اجرای آن با همکاری واحد آموزش صلح و حقوق بشر دانشگاه بغداد (واحد بغداد) - گروهی از اساتید دانشگاه که به آموزش حقوق، برقراری ارتباط با مؤسسه صلح ایالات متحده و موافقت وزارت تحصیلات عالی با این کار، علاقهٔ دیرینه داشتند - در نظر گرفت. دو گروه تمرکز از میان معلمان و مدیران، تحت حمایت واحد بغداد و کارمندان عراقی مؤسسه صلح ایالات متحده، مورد آزمایش قرار گرفتند؛ گروه اول دربارهٔ اهداف کلی و اجرای برنامه بحث کرد و گروه دوم بررسی کرد که در صورت مخالفت وزارت تحصیلات عالی با اضافه‌شدن کلاس حقوق شهروندان به‌عنوان بخشی رسمی از برنامهٔ درسی، چه جایگزین‌هایی وجود دارد. اما بسیاری از مدیران مکاتب تمایل داشتند که به معلمان اجازه دهند این برنامهٔ درسی را خارج از اوقات معمول کلاس تدریس کنند.

از آنجا که مقیاس ارائه این برنامه هنوز مشخص نبود، مؤسسه صلح و واحد بغداد تصمیم گرفتند برنامهٔ آزمایشی کوچکی برگزار کنند که در آن، ده معلم در ده مکتب در خارج از ساعات کلاسی تدریس می‌کردند. اهداف این برنامهٔ آزمایشی بررسی این پرسش‌ها بود: اولاً اصلاً بدون دخالت اضافی می‌توان در کلاس‌ها تدریس کرد؛ ثانیاً آیا دانش‌آموزان در کلاس‌های اختیاری به‌طور مرتب شرکت می‌کنند؛ و ثالثاً آیا این کلاس‌ها اثر مثبت مهمی بر رویکرد دانش‌آموزان به حقوق شهروندی یا به هم‌وطنانشان دارد. برای سنجش این پرسش‌ها، نظرسنجی‌هایی بین دانش‌آموزان قبل و بعد از کلاس‌های آزمایشی توزیع شد. همچنین برای حمایت از کلاس‌ها، جزوه‌هایی حاوی برنامهٔ درسی و ترجمهٔ عربی اعلامیه جهانی حقوق بشر، با هزینه مؤسسه صلح، در بغداد چاپ شد.

دوره آزمایشی، با نتایج و بازخوردهای عموماً مثبتی از سوی معلمان شرکت‌کننده، در می ۲۰۰۸، به اتمام رسید. اما اطلاعات جزئی، در مورد پاسخ‌های دانش‌آموزان و تأثیر این دوره بر آن‌ها، به‌نحو قابل‌اعتمادی جمع‌آوری نشد. با هدف برگزاری کامل‌تر دوره‌های آتی، در پایان دوره آزمایشی، ارزیابی‌ای انجام شد. مؤسسه صلح و واحد بغداد برنامه درسی و الگوی ارائه را ارزیابی کردند. در پی آن، نگرانی‌هایی درباره کیفیت جزوه‌ها – عمدتاً در اثر محدودیت‌های هزینه‌ای – و برخی مسائل دیگر به وجود آمد و برای رفع این نگرانی‌ها، مؤسسه صلح و واحد بغداد برنامه درسی را بازبینی و بازنویسی کردند. مؤسسه صلح هم‌زمان روی برقراری روابط با مقامات آموزشی دولت عراق و دولت محلی کردستان کار کرد. به‌منظور حل مشکلات، مؤسسه صلح در اوایل سال ۲۰۰۹ گفت‌وگویی سه‌روزه با رهبران آموزشی عراقی برگزار کرد. طی این گفت‌وگو، چند اولویت آموزشی، به‌شمول توسعه آموزش شهروندی، مشخص شد. پس از آن، پروژه‌ای با همکاری مسئولان آموزشی به‌منظور تسهیل تدریس آموزش شهروندی، از طریق توسعه مشارکتی راهنمای تدریسی در حوزه آموزش ملی و شهروندی برای پایه‌های چهارم تا نهم شروع شد که اولین پیش‌نویس آن اکنون در حال بازبینی است. پس از اصلاحات و موافقت، برنامه‌های تربیت معلم برای سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ برنامه‌ریزی می‌شود.

مجال تسهیل آموزش شهروندی، به درخواست و با مشارکت مسئولان آموزشی دولت عراق، مؤسسه صلح را بر آن داشت که بازبینی برنامه درسی آموزش شهروندی را متوقف کند. با اینکه مشارکت و فرآیند اجرا به‌علت شرایط سیاسی عراق با چالش‌هایی روبه‌رو شده است، مؤسسه صلح و شرکای عراقی درگیر در آن نسبت به آن متعهد باقی مانده‌اند. به‌علاوه، اگر مؤسسه صلح فعالیت خود را از مسیرهای غیررسمی و با برنامه درسی تأییدنشده ادامه می‌داد، امروزه برنامه‌هایش از این پتانسیل دوام در درازمدت و اثرگذاری در ابعاد وسیع برخوردار نبود.

### آموخته‌ها از عراق

- کیفیت نگارش و ارائه برنامه آموزش شهروندی بر توانایی معلم در فهم و اجرای آن تأثیر می‌گذارد. در صورتی که مواد برنامه آموزشی مؤسسه صلح در نهایت با هدف استفاده معلمانی تهیه شده باشد که در برنامه تربیت اختصاصی حضور نداشته‌اند، بلکه از روی کتاب می‌خوانند، کیفیت نگارش اهمیت ویژه می‌یابد. با اینکه مؤسسه صلح ترجمه‌های درون‌سازمانی را تهیه و تأیید کرده بود، این ترجمه‌ها



را باید ویراستاری ارزیابی می‌کرد که هم بر زبان مسلط بود و هم با زمینه‌های محلی آشنایی داشت؛ پرسنل انگلیسی‌زبان مؤسسه صلح نمی‌توانستند مشکلات موجود در ترجمه را از مشکلات موجود در متن تشخیص دهند. از این رو، در ابتدا متنی تصویب شد که اشکالات نگارشی داشت، هرچند بعداً اصلاح گردید.

- حقوق بشر و حقوق شهروندی باید برنامه‌های درسی مجزایی باشد. برنامه درسی ارائه‌شده در عراق، در تلاش برای ارائه تصویری عامیانه و کلی از نوع جامعه‌ای که عراقی‌ها باید آرزوی آن را داشته باشند، دیدگاه‌هایی را از رویکردهای حقوق بشر و حقوق شهروندی درهم‌آمیخته بود. اما نتیجه آن از آشفتگی مفهومی رنج می‌برد و این موجب شده بود جمع‌بندی واضح دیدگاه‌های مهم برای معلمان دشوار شود و حقوق بشر و حقوق شهروندی، حتی در نظر دانش‌آموزان مقطع متوسطه، نسبتاً تخیلی جلوه کند.
- تمام شرکا لازم است دیدگاه واحدی در ارزیابی داشته باشند. در عراق، اهداف و فرآیندهای ارزیابی روشن تنها پس از گفت‌وگوها دربارهٔ اجرا شکل گرفت؛ لذا معلمان دورهٔ آزمایشی و برخی کارمندان دخیل مؤسسه صلح بعضاً درک درستی از آن اهداف و فرایندها نداشتند و به‌خوبی از آن‌ها حمایت نمی‌کردند و نتیجه آن، سطحی‌بودن داده‌هایی بود که برای ارزیابی جمع‌آوری شد.
- تا جایی که امکان دارد، فرصت‌هایی برای کار مستقیم با مسئولین آموزشی دولت میزبان ایجاد کنید. کارکردن از مجاری رسمی با اینکه ممکن است وقت‌گیر و حساس باشد، بهترین راه برای اطمینان از تأثیر و دوام درازمدت پروژه است.

### سودان: مهارت‌های شهروندی و آمادگی برای انتخابات

برنامه‌های آموزش رأی‌دهندگان. درگیر شدن مؤسسه صلح ایالات متحده در برنامه‌های آموزش شهروندی در سودان، در بهار سال ۲۰۰۶ و با ارزیابی شرایط پس از امضای موافقت‌نامه صلح، آغاز شد. جنگ خونین داخلی سودان اخیراً منتهی به حل و فصل مرکبی در مورد تقسیم قدرت و ثروت شده بود که مشتمل بر یک دورهٔ انتقالی پنج‌ساله قبل از برگزاری انتخابات و یک فراندوم در مورد خودمختاری جنوب بود. چارچوب انتقالی مقتضی تعهد به دولت دمکراتیک و برگزاری انتخابات کامل در کشوری بود که طی ۲۰ سال گذشته، انتخابات آزاد را به خود ندیده بود. آگاهی مردم دربارهٔ این چارچوب قانون اساسی و حقوق و وظایف شهروندان دمکراتیک (رأی‌دهنده)، در خوش‌بینانه‌ترین

حالت، محدود بود. مؤسسه صلح، بر اساس ارزیابی‌ها، ابتدا کارگاه‌هایی درباره آموزش رأی‌دهی و پرورش مهارت‌های شهروندی راه انداخت. با پیشنهاد همکاران اجرایی محلی مؤسسه صلح، این کارگاه‌ها استراتژی گسترش فهم سریع و وسیع حقوق و وظایف شهروندی از طریق بخش‌های کلیدی جامعه سودان را در پیش گرفت و مخاطبان خود را مختلطی از اساتید دانشگاه، دانش‌آموزان، روزنامه‌نگاران، فعالان جامعه مدنی و اعضای احزاب سیاسی قرار داد.

اولین کارگاه آموزش رأی‌دهندگان در سپتامبر ۲۰۰۷ و به میزبانی دانشگاه الاحفاد که یک دانشگاه خصوصی برای زنان در شهر خارطوم بود، برگزار شد. آموزش‌دهندگان شامل دو کارشناس دمکراسی می‌شد که یکی از آن‌ها نخستین انتخابات پس از نظام آپارتاید را در آفریقای جنوبی برگزار کرده بود. از شرکت‌کنندگان خواسته شد درباره معنای تغییر دمکراتیک در سودان و این اندیشه که انتخابات اساسی و صلح‌آمیز نیازمند درک و مشارکت عموم مردم است، فکر کنند. در یکی از تمرینات، از گروه‌های کوچک خواسته شد فعالیت‌هایی طراحی کنند که این درک را در بین جوامع آن‌ها افزایش دهد. گروهی که مسئول طراحی یک انتخابات صوری بود، تصمیم گرفت دستور کار خود را به‌صورت خلاقانه با سرهم‌کردن دسته‌ای از تصاویر نمایشی بازتعریف کند؛ رهبر گروه از نمایشنامه‌نویسان معروف و مدرس تئاتر در دانشگاه میزبان بود.

تصاویر به‌صورتی زیرکانه به شهروندان و رأی‌دهندگان کمک می‌کرد تا با اندیشیدن به انتخابات پیش رو درس‌های مهمی بیاموزند. یکی از صحنه‌ها شامل تجمع انتخاباتی با موضوع حق اعلام عمومی حمایت از کاندیداهای مختلف بود. یکی از تصاویر دیگر رأی‌دهنده متقلبی را نشان می‌داد که تلاش داشت رنگ روی انگشتش را از بین ببرد و دوباره رأی دهد. این تصاویر بامزه و به‌یادماندنی بود و به‌عنوان ابزارهای صلح‌سازی و آموزش شهروندی، به‌وضوح قدرت زیادی داشت. مؤسسه صلح تصمیم گرفت با آن نمایشنامه‌نویس برای نگارش نمایش‌نامه‌ای درباره آموزش رأی‌دهندگان، برای استفاده در برنامه‌های آتی در مورد مهارت‌های شهروندی، قرارداد ببندد. پس از اتمام نگارش، نمایش به‌شکل زنده در بسیاری از کارگاه‌های مؤسسه صلح پخش شد و در همه موارد جمعیت علاقه‌مند بسیاری را به خود جذب کرد؛ غالباً در میان آن‌ها دانشجویانی حضور داشتند که در مسیر رفتن به کلاس، با شنیدن صدای پخش‌شده بازیگران، مشتاق دیدن نمایش شده بودند.

نمایش‌ها مشتمل بر مسائل مربوط به مسئولیت اجتماعی و حقوق و مهارت‌های شهروندی و همچنین اطلاعاتی در مورد فرآیند رأی‌دهی بود. اما این نمایش‌ها لهجه‌ها، لطفیه‌ها و رسوم سودانی را نیز ماهرانه منعکس می‌کرد. در یکی از این صحنه‌ها، نادر، یکی از بزرگان قبایل محلی، در حالی که بسته‌هایی غیرعادی از هدیه‌های جالب و پول را با خود دارد، به خانه نزد همسرش می‌آید. او با کاندیدای قدرتمندی که از او خواسته بود آرای قبیله‌اش را جذب کند، ملاقات کرده بود. همسر نادر، عطیه و دوستش سمیره وقتی ماجرا را می‌فهمند، شوکه شده و نارضایتی خود را به این شکل اعلام می‌کنند:

عطیه: من حق دارم به کاندیدای انتخابی خودم رأی دهم.

حسین (کاندیدا): نادر! این زن ناشزه است (اصطلاحی به معنای نافرمانی؛ این جمله غالباً باعث خنده‌های شدید می‌شد).

سمیره: شرم بر تو نادر، تو اصول خودت را به پول می‌فروشی؟

عطیه: تو مصالح تمام موکلانت را برای منافع شخصی خودت می‌فروشی؟

حسین: نادر، به حرف زن‌ها توجه نکن.

عطیه: زن‌ها تو را پرورش داده و یک مرد ساختند.

سمیره: لباس‌های نو، فرسوده می‌شود و پول‌ها به‌زودی خرج خواهد شد.

عطیه: اما وجدانت بیدار خواهد بود و هرروز سرزنشت خواهد کرد.

حسین: این‌ها حرف‌های بی‌معنا و کلمات توخالی است و شکمت را سیر نمی‌کند و نوشیدنی یا لباس به تو نمی‌دهد.

عطیه: نادر، تو در تمام عمرت صادق و صاف بودی. تو همیشه از ارزش‌ها و اصول

سودانیات پاسداری می‌کردی. **بنیاد اندیشه**

سمیره: و امروز می‌خواهی رأی خودت را بفروشی؟

عطیه: این حسین، بعد از پیروزی، دیگر تو را ملاقات نخواهد کرد و سراغی از تو نخواهد گرفت.

سمیره: باور کن نادر، حسین هم در اعماق وجودش برای تو احترام قائل نیست،

چون تو حقوق خودت را فروختی.<sup>۹</sup>

این قطعه و این نمایش به‌طور کلی، مسیر نیرومندی را به‌سوی تفکر و بحث در

مورد ماهیت حقوق و مسئولیت‌های شهروندی و نقش آن در تغییر جامعه می‌گشاید.

با اینکه این نمایش در طول اجرای زنده ضبط شد، همواره احساسات، شوخ طبعی و اندیشناکی بازیگران زنده تأثیرگذارتر از ویدیو است.

### کنفرانس آموزش شهروندی

از زمان برگزاری نخستین کارگاه‌های محدود درباره آموزش رأی‌دهی و شهروندی، همکار محلی مؤسسه صلح - که یک دانشگاهی سابق بود - و شرکت‌کنندگان دانشگاهی علاقه شدیدی به برنامه‌ریزی ویژه برای اصلاح برنامه درسی فعلی آموزش شهروندی در سودان ابراز می‌کردند. این برنامه درسی در طی جنگ‌های داخلی طوری ویرایش شده بود که جنوبی‌ها را دشمن جلوه دهد و بُعد اسلامی و عربی مردم سودان را با نادیده‌گرفتن تنوع زیاد هویت‌های قبیله‌ای، دینی و زبانی این کشور، تقویت کند. با اینکه از نظر فنی، سودان در مرحله انتقال دموکراتیک پسمانزعه قرار داشت، قدرت دولت تا حد زیادی در دستان همان اشخاص دوران درگیری قرار داشت و از این رو، چشم‌اندازها در مورد اصلاحات جدی برنامه درسی تاریک بود. در عین حال، این امید وجود داشت که یک کنفرانس شاید بحث در مورد این مسئله و جنبش‌هایی در جهت اصلاح را برانگیزد.

در دسامبر ۲۰۰۷، کنفرانس تقویت مؤلفه‌های آموزش شهروندی در برنامه درسی فعلی برگزار شد و آموزگاران، مسئولان آموزشی و کارشناسان را به‌منظور بحث درباره وضعیت فعلی آموزش شهروندی در سودان و جست‌وجوی راه‌هایی برای تغییرات آینده، کنار هم جمع کرد. کارشناسان درباره پیشینه آموزش شهروندی در سودان و برخی نمونه‌ها از جاهای دیگر سخن گفتند. گروه‌های کاری کوچک برنامه‌های درسی آموزش شهروندی از کشورهای عراق، لبنان و سودان را تحلیل کرده و نتایج به‌دست‌آمده را ارائه کردند؛ یافته مشترک نخست این بود که مکاتب از دیرباز با مشکل تأمین مالی مواجه‌اند و این منجر به کمبود مواد آموزشی می‌شود.

دو رخداد ویژه توجه شرکت‌کنندگان را در طول کنفرانس جلب کرد: اجرای نمایش آموزش رأی‌دهندگان که در فوق توضیح داده شد و جلسه‌ای با نمایندگانی از شورای کودکان. این گروه نیمه‌رسمی دانش‌آموزان ابتدایی را در جلسات منظمی گرد هم می‌آورد تا درباره مسائل که برای دانش‌آموزان اهمیت دارد، گفت‌وگو کنند و یافته‌های خود را به شورای ملی گزارش دهند. دانش‌آموزان کم سن و سال حاضر در کنفرانس صراحتاً درباره بی‌توجهی‌ای که در کلاس‌ها نسبت به کل فرایند آموزش، معلمان و سایر دانش‌آموزان وجود داشت، صحبت کردند. معلمان به‌خوبی تأمین مالی و آموزش داده

نشده بودند و مواد درسی مفید کمی درباره آموزش شهروندی در برنامه درسی وجود داشت و این عوامل منجر به ناآگاهی درباره دولت یا بی‌توجهی به تکرار کشور شده بود. یکی از دانش‌آموزان اضافه کرد که فکر می‌کند در مکتب، عشق به وطن وجود ندارد. در جلسه پایانی کنفرانس از شرکت‌کنندگان خواسته شد مؤلفه‌های ضروری آموزش شهروندی مناسب برای سودان را شناسایی کرده و اهداف و مقاصد را برای برنامه درسی آموزش شهروندی سودان پیشنهاد دهند. شرکت‌کنندگان به این نتیجه رسیدند که آموزش شهروندی مناسب در برنامه آموزشی فعلی مفقود است، در حالی که وجود چنین آموزشی برای ایجاد فرهنگ صلح پایدار و شهروندی مسئولانه ضروری است. آن‌ها همچنین بر نیاز به بهبود تربیت معلمان و بالابردن موقعیت اجتماعی و حرمت معلمان در جامعه بسیار تأکید داشتند. آن‌ها معتقد بودند که آموزش شهروندی باید با زندگی روزمره مرتبط بوده و بر ایجاد ارتباط مثبت میان دولت و شهروندان تمرکز داشته باشد. به‌رغم تلاش‌ها برای دخیل‌کردن مسئولان و مقامات کلیدی وزارت تحصیلات عالی، پیشنهادها مطرح‌شده در این کنفرانس در حد آرزو باقی ماند. پس از اینکه تعهد شرکت‌کنندگان کلیدی ثابت نشد، مؤسسه صلح ناچار شد به‌مدت نامعلومی برنامه‌های خود برای برگزاری کنفرانس بعدی در مورد ایجاد استراتژی ملی برای آموزش شهروندی در برنامه درسی را به تعویق بیندازد.

### پیشگیری از خشونت‌های انتخاباتی

پس از گذشت اولین سال از برگزاری برنامه مهارت‌های شهروندی، به‌تدریج آشکار شد که شرکت‌کنندگان دوست دارند جزئیات بیشتری در مورد خصوصیات انتخابات و فرآیندهای مطلوب انتخاباتی بدانند. در اواخر سال ۲۰۰۸، در حالی که مؤسسه صلح در نظر داشت به این خواسته پاسخ دهد، افزایش بودجه امکان پروژه‌ای بلندپروازانه‌تر را فراهم کرد. کارکنان مؤسسه صلح برای توسعه برنامه‌ای در مورد کارگاه‌های پیشگیری از خشونت انتخاباتی (EVP)، جهت اجرا در هر مقدار از بخش‌های کشور که ممکن باشد، همکاری کردند. این برنامه مشتمل بر سه مؤلفه درهم‌تنیده بود که از عناصر مهم رویکردی با محوریت آموزش شهروندی کمک می‌گرفت: مطالعات موردی درباره چهار انتخابات دیگر در قاره آفریقا، به‌شمول درس‌های مثبت و منفی در مورد نحوه برخورد با خشونت و نقش بازیگران مختلف در این فرآیند؛ مهارت‌های حل‌وفصل منازعه، مانند گفت‌وگو و حل مشکل، که به یادگیرندگان اجازه می‌داد نزاع‌ها را به‌صورت محلی

حل و فصل کنند؛ و مؤلفه‌های شهروندی که دیدگاهی دوربینانه در مورد دموکراسی و مشارکت سیاسی ایجاد می‌کند. همه این سه عنصر با استفاده از روش‌های بسیار تعاملی که برخی فضایل شهروندی از قبیل احترام، انصاف و پذیرش تنوع را نمایش می‌داد – روش‌هایی که در طول مرحله تربیت مربی در اواخر سال ۲۰۰۹ بر آن‌ها تأکید ویژه شده بود – ارائه گردید.

برنامه جدید، از همان لحظه آغاز، به شدت محبوبیت یافت. برای نخستین کارگاه، بیش از ظرفیت و نزدیک دو برابر تعداد موردانتظار، ثبت نام کردند و مؤسسه صلح دریافت که دستورالعمل سه مؤلفه‌ای و روش‌های تعاملی (تمرینات، گروه‌های کاری و نمایش‌های آموزش رأی‌دهی) به خوبی کار می‌کند. تمرینات کلیشه‌سازی و مهارت‌های ارتباطی درس‌ها در مورد انواع نزاع و گفت‌وگو را تکمیل می‌کرد. تمرین تصمیم‌گیری به شبیه‌سازی انتخابات ضمیمه شد و یادگیری حل مسئله نیز رویکردهای مثبت درباره تحلیل مطالعات موردی و تطبیق آن بر سودان را تقویت می‌کرد. ظرف یک و نیم سال، مؤسسه صلح ایالات متحده آموزش پیشگیری از خشونت‌های انتخاباتی را در خارطوم، کوه‌های نوبا، سودان جنوبی و دارفور برگزار کرد. به علاوه، دو مؤسسه غیردولتی محلی همکار هم از مواد آموزشی و روش‌های مؤسسه صلح، برای گسترش برنامه‌ها در داخل سودان شمالی و ناحیه‌های مرزی مناطق سه‌گانه، استفاده کردند.

یکی از مهم‌ترین ابتکارها برگزاری برنامه EVP در مرکز آموزشی آکادمی پلیس در خارطوم بود که در نتیجه دعوت‌های گذشته از اعضای عالی‌رتبه پلیس در کارگاه‌ها برای تشریح دیدگاه خویش، درباره نقش پلیس در تضمین انتخابات امن، میسر شد. این صحبت‌ها فرصت بسیار مهمی برای شهروندان سودانی فراهم ساخت تا از نمایندگان پلیس در محیطی بی‌طرف و امن سؤال کنند. مؤسسه صلح، به منظور نشان دادن اهمیت درک و همکاری میان بازیگران کلیدی در فرآیند انتخابات، تعدادی از فعالان جوان و رهبران جامعه مدنی را در کارگاه آکادمی پلیس جای داد. تنش و سوءتفاهم میان رهبران پلیس و جامعه مدنی این برنامه را به شکل قابل‌توجهی دشوارتر و در عین حال، پرثمرتر کرد و راه را برای تلاش‌های آینده جهت برقراری همکاری، هموار ساخت. مربیان پلیس، در اقدامی امیدوارکننده، مواد آموزشی مؤسسه صلح را حفظ کرده و بعداً با همکاری سازمان ملل متحد تلاش کردند به نیروهای پلیس سراسر کشور، درباره نقش مناسب آن‌ها در طول انتخابات، آموزش دهند.

مرحله نهایی برنامه‌های EVP قبل از خود انتخابات‌گزینش و تربیت دو دسته از مربیان اجتماعی، یکی از شمال و دیگری از جنوب، بود تا در ادامه به جوامع خود بازگشته و برای آن‌ها آموزش‌های بیشتر ارائه دهند. این رویکرد نه تنها دسترسی محتوای EVP را به مناطق حاشیه‌ای گسترش داد، بلکه همچنین گروهی از مربیان را تربیت کرد که در آموزش تعاملی و مهارت‌های الگوسازی فضایل شهروندی تجربه داشتند. مربیان کارآموز با مشارکت قبلی در دوره‌های EVP یا با اظهار تعهد نسبت به واردشدن در فعالیت مدنی و آموزش شهروندی در آینده، انتخاب می‌شدند. کارآموزانی که در خارطوم مستقر بودند، یک دورهٔ بازآموزی و مجموعه‌ای از مواد آموزشی و برنامه‌های درسی را دریافت کردند. آن‌ها سپس موظف شدند که در گروه‌های کوچک روی سازگار کردن یک بخش خاص از دوره، برای تدریس در یک کارگاه مشترک با هم‌تایان جنوبی خود، کار کنند. برای گروه کارآموزان جوبا نیز دوره‌ای همراه با مؤلفه‌های محتوایی و مهارت‌های تربیتی برگزار گردید و باقی بخش‌های درسی مربوط به کارگاه مشترک به عهده آن‌ها گذاشته شد.

در فبریه ۲۰۱۰، گروه‌های شمالی و جنوبی در شهر جوبا دور هم آمدند تا خودشان دورهٔ کامل EVP را برگزار کنند. کارکنان مؤسسه صلح بر آن نظارت کرده و نظرات سازنده‌ای ارائه دادند. این برنامهٔ مشترک در مجموع بسیار موفق بود. نگرانی‌ها دربارهٔ نوع همکاری میان مربیان شمالی و جنوبی به سرعت از بین رفت، زیرا شرکت‌کنندگان از برقراری ارتباط با یکدیگر، به‌رغم وجود موانع زبانی و قومی، خوشحال به نظر می‌رسیدند. بسیاری از شرکت‌کنندگان می‌توانستند هم به عربی و هم به انگلیسی یا یکی از زبان‌های قبایلی صحبت کنند به‌گونه‌ای که به‌ندرت موانع حقیقی برای تفاهم آن‌ها وجود داشت. اما چنین اتفاقی در حین ارائه‌ای دربارهٔ استفاده از هنر رخ داد که در آن، یک گروه اهل خارطوم از آوازا و اشعار عربی استفاده کرد. این ارائه فشار غیرمعمولی به مترجمان وارد کرد، زیرا قادر به ترجمهٔ هم‌زمان نبودند. این مشکل که به‌راحتی با دوراندیشی - مانند تهیه ترجمه‌های چاپی و مقدمه‌های بهتر - قابل حل بود، به‌خوبی توانست فرصتی برای آموختن اهمیت زمینه‌های فرهنگی و زبانی در آموزش ایجاد کند. شرکت‌کنندگان در بازخوردهای پس از کنفرانس اظهار داشتند که مهارت مدیریت زمان را یاد گرفته و به توانایی‌های خود به‌عنوان تسهیل‌کننده اعتماد بیشتری یافته‌اند. بسیاری از آن‌ها اظهار کردند که از کار با هم‌تایان خود از سایر نقاط کشور لذت بسیار

برده‌اند. آشنا کردن سودانی‌های شمالی با زندگی در جنوب کمتر توسعه یافته یکی از دغدغه‌های اصلی در طراحی این سلسله کارگاه‌ها بود و کارایی خود را در عمل نشان داد. یکی از زنان شمالی اظهار داشت که «کارگاه‌ها فرصت خوبی برای برقراری ارتباط با برادران و خواهران جنوبی بود؛ این ثابت می‌کند که ما می‌توانیم با یکدیگر همکاری کنیم». آگاهی درباره مهارت‌های مدیریت منازعه، مطالعات موردی انتخابات و آموزش شهروندی به افراد شرکت‌کننده کمک کرد تا در شرایط احتمال تجزیه قریب‌الوقوع کشورشان، برای چالش‌های متعددی که ممکن است در دوره انتقالی به وجود آید، احساس آمادگی بیشتری کنند. مؤسسه صلح برنامه دارد که این الگوی سه‌بخشی را با برنامه‌های پیش‌گیری از خشونت در طول رفراندوم خودمختاری جنوب سازگار کند. بسیاری از مربیان EVP به ایجاد گردهمایی‌های اجتماعی قبل از انتخابات ادامه داده و همچنان منبعی برای پروژه‌های همکاران محلی مؤسسه صلح در جوبا و خارطوم هستند.

### آموخته‌ها از سودان

استقبال از مفاهیم و روش‌های آموزش شهروندی و نیاز به آن‌ها در سودان به اثبات رسیده است، اما مسائلی وجود دارد که باید در نظر گرفته شود:

- برای دسترسی به بخش‌های مختلف و ماندگاری پیام در اذهان، از هنر استفاده خلاقانه کنید. تئاتر ابزار ارزشمندی برای جذاب کردن و ماندگارساختن مفاهیم مهم در اذهان است، اما اگر ضبط شده باشد، سحرآمیزی آن به شدت کاهش می‌یابد. در صورتی که تئاتر زنده در دسترس نباشد، سایر رسانه‌های هنری، مانند موسیقی یا شعر، باید مدنظر قرار گیرد.
- صبور باشید. وارد کردن آموزش شهروندی در برنامه‌های آموزشی ملی پروژه‌ای بلندمدت است و صبر و قاطعیت می‌طلبد؛ بازیگران کلیدی ممکن است ابتدا بیش از عمل، حرف بزنند و مسائل دشوار بسیاری ممکن است از دل نگرانی‌های آموزش شهروندی، مانند تربیت معلم و تأمین مالی آموزش به‌طور کلی، بیرون آید.
- وقتی روشن‌ترین راه برای دخالت در آموزش شهروندی بسته به نظر می‌رسد، دنبال راه‌های جایگزین بگردید. به‌رغم پیچیدگی اصلاح در برنامه درسی آموزش شهروندی، زنده نگاه داشتن این مسئله و یافتن راه‌هایی برای تلفیق مهارت‌ها و دانش شهروندی در ابتکار عمل‌های دیگر، مهم است.
- آموزش شهروندی به‌عنوان یک مسئله می‌تواند پل‌هایی را میان گروه‌های درگیر ایجاد کند. دور هم جمع کردن گروه‌هایی که در تنش با یکدیگر هستند، مانند پلیس



و رهبران جامعه مدنی، ممکن است دشوار باشد، اما در صورتی که این گروه‌ها در درک مسائل شهروندی، مانند انتخابات، منفعت مشترک داشته باشند، این کار می‌تواند منجر به پیشرفت‌های بزرگی شود. هر نوع امکان تسهیل برقراری ارتباط میان بازیگران باید مدنظر قرار گیرد.

- مکاتب یگانه مقرآموزش شهروندی و دانش‌آموزان یگانه هدف آموزش شهروندی نیستند. این آموزش را می‌توان به‌طور مؤثر در زمینه‌های مختلف تدریس نمود و نباید آن را به برنامه درسی مکاتب ابتدایی محدود کرد. تحولات پس از توافق صلح، اصلاحات قانون اساسی و انتخابات‌های جدید همگی فرصت‌هایی را برای مرتبط‌کردن و معنادار ساختن آموزش شهروندی فراهم می‌کند.

### نتیجه

آگاهی از حقوق شهروندی و توسعه تجارب و مهارت‌های مداخله صلح‌آمیز اجتماعی و سیاسی هسته آموزش شهروندی را شکل می‌دهد. برنامه‌ریزی مؤثر در مورد آموزش شهروندی نیازمند تمرکز ویژه بر روش‌های کلاسی است؛ افزون بر آگاهی از حقوق و فرایندها، الگوسازی رفتارهای پسندیده شهروندی در فضای کلاس نیز برای انتقال مهارت‌های شهروندی به شرکت‌کنندگان ضروری است. مطالعات موردی انجام‌شده درباره برنامه‌ریزی آموزش شهروندی در عراق و سودان چالش‌های کار در محیط‌های پسمنازعه را آشکار می‌کند. این چالش‌ها را می‌توان تا حدی، به‌وسیله تمرکز بر مواد آموزشی باکیفیت و تربیت معلم، ارتباط با مسئولین آموزشی در عالی‌ترین سطح ممکن و توجه و سازگارسازی مستمر پس از آموخته‌ها، پشت سر گذاشت. موارد مطالعه‌شده همچنین نشان می‌دهد که برای اجرای آموزش شهروندی به‌صورت غیررسمی‌تر، مرتباً فرصت‌هایی به دست می‌آید، مانند دوران اصلاح قانون اساسی یا انتخابات که توجه‌ها بر مسائل حکومت و مشارکت متمرکز شده است. استفاده از روش‌های خلاقانه مانند موسیقی و تئاتر، در قیاس با مواد آموزشی چاپی، می‌تواند پیام را به‌شکل وسیع‌تر و غالباً اثرگذارتر به مخاطبان منتقل کند. بُعد نظری و عملی آموزش شهروندی، در کنار همدیگر، توجه‌ها را به اهمیت دانش، مهارت‌ها و رفتارهای شهروندی در طراحی حمایت‌های صلح‌سازی از جوامع پسمنازعه جلب می‌کند.

- <sup>1</sup>. See John Paul Lederach, *Preparing for Peace: Conflict Transformation across Cultures* (Syracuse, NY: Syracuse University Press, 1995) and John Paul Lederach, *Building Peace: Sustainable Reconciliation in Divided Societies* (Washington, DC: USIP Press, 1997). For a (relatively recent) review of the literature on civil and human rights and discussion of the distinction, see Johannes Botes, "Conflict Transformation: A Debate over Semantics or a Crucial Shift in the Theory and Practice of Peace and Conflict Studies?" *International Journal of Peace Studies*, vol. 8, no. 2 (autumn/winter 2003), 1–27.
- <sup>2</sup>. For an overview of political theories that strongly emphasize active citizenship, see Will Kymlicka, *Contemporary Political Philosophy: An Introduction*, 2nd ed. (New York: Oxford University Press, 2002), chapter 7. One of the most prominent contemporary defenders of the civic tradition is Philip Pettit; the fullest statement of his theory is *Republicanism: A Theory of Freedom and Government* (New York: Oxford University Press, 1997), but an earlier piece, "Freedom as Antipower," *Ethics*, vol. 106, no. 3 (April 1996), 576–604, focuses on civic freedom as a form of ability to contest power, and influenced the understanding of the civic tradition used in this report. On civic education and developing civic virtue specifically, see, e.g., Harry C. Boyte, *Everyday Politics: Reconnecting Citizens and Public Life* (Philadelphia, PA: University of Pennsylvania, 2004); Robert K. Fullinwider, ed., *Public Education in a Multicultural Society: Policy, Theory, Critique* (New York: Cambridge University Press, 1996); Cynthia Gibson and Peter Levine, *The Civic Mission of Schools* (New York: Carnegie Corporation of New York and the Center for Information and Research on Civic Learning and Engagement, 2003), available online at <http://www.civicyouth.org/PopUps/CivicMissionofSchools.pdf> (accessed August 11, 2010); Bradley A. Levinson and Doyle Stevick, *Reimagining Civic Education: How Diverse Societies Form Democratic Citizens* (Lanham, MD: Rowman & Littlefield, 2007); Judith Tomy-Purto, John Schwillie, and Jo-Ann Amadeo, eds., *Civic Education across Countries: Twenty-Four National Case Studies from the IEA Civic Education Project* (Amsterdam: International Association for the Evaluation of Educational Achievement, 1999).
- <sup>3</sup>. See, e.g., Steven F. Finkel and Howard R. Ernst, "Civic Education in Post-Apartheid South Africa: Alternative Paths to the Development of Political Knowledge and Democratic Values," *Political Psychology*, vol. 26, no. 3 (2005), 333–364; Gibson and Levine, *Civic Mission*, 20ff.
- <sup>4</sup>. Finkel and Ernst, "Civic Education," 339.
- <sup>5</sup>. For a fuller discussion of service-learning standards, as well as information about research studies supporting the standards, see National Youth Leadership Council, "K-12 Service Learning Standards for Quality Practice," available at [http://www.nylc.org/pages-newsevents-news-K\\_12\\_Service\\_Learning\\_Standards\\_for\\_Quality\\_Practice?oid=6091](http://www.nylc.org/pages-newsevents-news-K_12_Service_Learning_Standards_for_Quality_Practice?oid=6091) (accessed August 11, 2010), especially the supporting research document ("K-12 Service Learning Standards for Quality Practice: An Annotated Bibliography," available at <http://www.nylc.org/objects/publications/StandardsResearch.pdf>, accessed August 11, 2010). In the context of this report, like much other research on service learning, these standards draw heavily on programs implemented in the United States and other developed nations. Applying these lessons to postconflict situations should be done with caution.
- <sup>6</sup>. For an empirical review of the effectiveness of student-based learning, see Michael Prince, "Does Active Learning Work? A Review of the Research," *Journal of Engineering Education*, vol. 93, no. 3 (2004), 223–231.
- <sup>7</sup>. In Iraq, the education system, especially under Saddam Hussein, promoted militarism. See, e.g., Imad Harb, *Higher Education and the Future of Iraq*, USIP Special Report no. 195, 3–4, available at <http://www.usip.org/files/resources/sr195.pdf> (accessed August 11, 2010); David B. Ottaway and Joe Stephens, "In Bid to Shape Post-War Iraq, U.S. Goes By the Schoolbook," *Washington Post*, April 6, 2003, A32.
- <sup>8</sup>. See Orit Bashkin, "When Mu'awiya Entered the Curriculum—Some Comments on the Iraqi Education System in the Interwar Period," *Comparative Education Review*, vol. 50, no. 3 (August 2006), 346–366.
- <sup>9</sup>. Mohammed Sharif, *Attiat and the Right to Vote Freely OR Returning to the Right is a Virtue*, unpublished manuscript, 2007, on file with the author.